

شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی ره

(در سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی)

علی اکبری معلم*

چکیده

مقاله حاضر در پی تبیین و شاخص‌بندی اندیشه سیاسی امام راحل در سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی است. در پژوهش حاضر پاسخ حضرت امام به پرسش‌های اساسی پیرامون فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی بر اساس الگوی تقسیم سه‌بعدی اسلام و در چارچوب اندیشه امام مورد بررسی قرار گرفت و شاخص‌های هر قسم، تعیین و معرفی شده است. از یافته‌های پژوهش این است که مطابق تفکر منظومه‌ای امام، بین سه قسم مذکور رابطه منطقی و معناداری وجود دارد و نقص و کمال هر یک در دیگری مؤثر است. در غیر این صورت، جامعه مطلوب تحقق نمی‌یابد. هم‌چنین با عنایت به نگاه منظومه‌ای امام، فهم کامل از اندیشه سیاسی وی با فهم هر سه قسم یاد شده حاصل می‌شود. از امتیازات این مقاله می‌توان به بررسی اندیشه سیاسی امام مطابق منظومه فکری و با الگوی مورد نظر ایشان و تعیین شاخص‌های سنجش هر یک اشاره کرد.

واژگان کلیدی

اندیشه سیاسی، امام خمینی ره، فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اخلاق سیاسی، شاخص.

مقدمه

اندیشه سیاسی امام خمینی ره مبنای تأسیس جمهوری اسلامی ایران و الگوی مردم‌سالاری دینی برای اداره امور جامعه است؛ دغدغه اصلی آن است که این اندیشه اسلام ناب را به نحو صحیح و به‌موقع برای مخاطبان و نسل جدید معرفی نماییم. از طرف دیگر، استمرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و نفوذ و گسترش آن در

enghelabe.eslamii@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

*. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۸

جهان، منوط به موفقیت نظام در حفظ و انتقال اندیشه سیاسی امام راحل به نسل آتی و مخاطبان داخلی و خارجی است؛ یعنی لازم است به‌طور مستمر و هماهنگ تلاش شود تا مشروعیت (حقانیت و مقبولیت) این تفکر در جامعه حفظ و تعمیق یابد.

بی‌تردید عدم توفیق ما در انتقال اندیشه سیاسی امام به نسل جدید و مخاطبان، موجب فراموشی اندیشه امام و کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام و در نتیجه، سبب اضمحلال تدریجی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. بنابراین، پرسش اصلی این است که شاخص‌های اندیشه سیاسی امام در ابعاد فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی کدامند؟

هدف اصلی این تحقیق، تبیین و شاخص‌بندی اندیشه سیاسی امام علیه‌السلام در سه قسم مذکور است؛ آنچه موجب انتخاب این موضوع شد، پاسخ به نیاز امروز جامعه و کمک در شناساندن بیشتر، روان‌تر و ساده‌تر اندیشه سیاسی امام براساس الگوی مورد نظر ایشان به مخاطبان می‌باشد.

مطابق مطالعات اکتشافی نگارنده در موضوع مذکور و برابر الگوی بررسی، آثار مکتوب و گزارش تحقیقی مشاهده نشده است. آثار موجود بیشتر به بررسی و تبیین اندیشه سیاسی امام در دو قسم فلسفه سیاسی و فقه سیاسی پرداخته‌اند؛ ولی مقاله حاضر علاوه بر توجه به دو قسم مذکور، به اخلاق سیاسی امام نیز پرداخته و علاوه برای هر سه قسم، شاخص‌هایی را تعیین و معرفی کرده است.

الگوی تقسیم سه بُعدی اسلام: نظر به جایگاه امام به‌مثابه نظریه‌پرداز اصلی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، چارچوب اندیشه سیاسی ایشان مبنای تحقیق حاضر شده است. در اینجا به توضیح مختصر الگوی نظری امام در این خصوص می‌پردازیم.

امام معتقد است، برابر احتیاجات بشر و مقامات سه‌گانه انسانی، تمامی علوم نافع دارای سه قسم هستند: اول، علمی که راجع به کمالات عقلیه و وظایف روحیه است؛ دوم، علمی که راجع به اعمال قلبیه و تهذیبات باطنیه و وظایف آن است؛ سوم، علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است. وی معتقد است آثار هریک از سه مقام یادشده به دیگری سرایت می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۶۹) پس تهذیب خلق، تحکیم عقاید و موافقت ظاهر شریعت، به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و اتکای به یکی بدون دیگری انحراف است و موجب حرمان از سعادت مطلقه است و از دام‌های ابلیس است. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۶۹) علاوه بر امام، دانشمندان اسلامی دیگری مثل علامه طباطبایی، جوادی آملی، مرتضی مطهری، شلتوت و سید محمدباقر صدر، ضمن تأیید طبقه‌بندی سه‌گانه اسلام به عقاید، اخلاق و اعمال، نظام فکری خویش را بر آن مبتنی ساختند. (برزگر، ۱۳۹۰: ۲۹۸)

امام به صراحت از این تقسیم‌بندی برای تربیت انسان بهره‌جسته و به نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور فرمودند که اسلامی بودن مشروط به داشتن عقاید، اخلاق و اعمال اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۲۴۴ - ۲۴۳) امام با این نگاه سعی می‌کرد تا اسلام را از مجموع منابع، ابزارها و

روش‌ها و به صورت جامع بشناسد. ایشان فهم اسلام را از یک طریق، تک‌بعدی و انحرافی می‌دانستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸ / ۵۳۱) این نگاه منظومه‌ای امام منبعث از حکمت متعالیه صدرالمآلهین است. امام، حکمت صدرایی را در حل بسیاری از مسایل مهم فلسفی و اصولی راه‌گشا می‌داند. (غفوریان، ۱۳۸۹: ۶۳) دیدگاه‌های صدرالمآلهین از دو ویژگی «نظام‌مند و منظومه‌ای» و «رنگ عرفانی» برخوردار است. (همان: ۴۹) دیدگاه‌های امام نیز منظومه‌ای و دارای رنگ عرفانی و اخلاقی است. به تعبیر یکی دیگر از پژوهشگران، در اندیشه امام علیه السلام یک نگاه اندام‌واره و نوعی کل‌گرایی وجود دارد که متأثر از آرای فلسفی صدرالمآلهین است. (افروغ، ۱۳۹۰: ۷۴) البته اگرچه هر یک از اجزاء، دارای ساحت خاص خود می‌باشند؛ ولی میان آنها ارتباط و نظم منطقی حاکم است. (همان: ۷۵)

بنابراین، در تحلیل اندیشه سیاسی امام لازم است به این نگاه جامع، منظومه‌ای و کل‌گرایی که منبعث از حکمت متعالیه است، توجه کرد؛ در واقع، غفلت از این نکته در بررسی ابعاد اندیشه امام، ناتمام بوده و نسبت آن به امام، ناروا تلقی می‌شود. به نظر امام، انسان کامل، بدون رعایت لوازم سه قسم یاد شده محقق نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۷۳)

از آنجاکه امام راحل، نظام فکری خود را بر طبقه‌بندی سه‌گانه اسلام به عقاید، اعمال و اخلاق مبتنی ساخته است، مقاله حاضر نیز بر این اساس، اندیشه سیاسی امام را به تفکیک سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی، مورد توجه قرار داده و به تبیین و شاخص‌بندی آن می‌پردازد.

تعریف مفاهیم اساسی

پیش از ورود به بحث لازم است، برخی از مفاهیم اساسی مقاله تعریف شوند.

- اندیشه سیاسی: ^۱ اگرچه کاربرد مفهوم اندیشه سیاسی را متعدد ذکر کرده‌اند؛ (آقابخشی، افشاری‌راد، ۱۳۸۹: ۵۲۷) ولی در اینجا به معنای مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه عقلانی، منطقی و مستدل درباره چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌شود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۴؛ بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۶) به عبارت دیگر، اگر اندیشه سیاسی براساس هر یک از مبانی فلسفی، فقهی و اخلاقی مطرح شود، به ترتیب، فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی نامیده می‌شود. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۴) این سه قسم از اندیشه سیاسی به‌عنوان یک سیستم با یکدیگر در تعامل بوده و دارای رابطه معناداری هستند و موفقیت نظام، با رعایت لوازم هر سه قسم حاصل خواهد شد؛ در واقع، اندیشه سیاسی الگویی برای رسیدن به وضع مطلوب (مدینه فاضله) از نظر هر اندیشمندی است. (لکزایی، ۱۳۸۴: ۳۰) پس اندیشه سیاسی، به مجموعه‌ای از آرا و عقاید در حوزه سیاسی اطلاق می‌شود که دارای اهداف معقول بوده و با تعیین ابزارهای لازم جهت دستیابی به هدف‌های قابل تحقق، از یک انسجام و منطق درونی برخوردار باشد. (سلمان، ۱۳۹۰: ۴۱)

1. Political Thought.

- فلسفه سیاسی^۱: منظور از فلسفه سیاسی در اینجا، مباحث و مسایل ثابت مربوط به حوزه سیاست و زندگی اجتماعی است؛ مسایلی که درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ابدی سیاسی در حوزه امامت و ولایت و نیازهای ثابت انسان بوده و در پرتو تحولات زندگی اجتماعی، دستخوش تغییر و تحول نمی‌شود. (لکزایی، ۱۳۸۶: ۷۵) فلسفه سیاسی متکفل پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان در زمینه‌هایی نظیر دولت مطلوب، مشروعیت، عدالت، اطاعت، قدرت و سعادت است؛ اینکه علت نیاز جوامع به دولت و حکومت چیست؟ چه کسانی حق حکومت دارند؟ چرا باید از حاکمان اطاعت کرد؟ حکومت به دنبال چه اهدافی باید باشد؟ و چه وظایفی در قبال مردم دارند؟ (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۸)

- فقه سیاسی: فقه سیاسی آن بخشی از فقه و عمل مکلفان است که به اداره امور سیاسی کشور، مسایل اجتماعی، حکومت و به اداره زندگی مردم در حوزه داخلی و خارجی مربوط می‌شود. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۳ و ۲۴ / ۱۸) به عبارت دیگر، فقه سیاسی علم به احکام فرعی شریعت در عرصه سیاست داخلی و خارجی از روی ادله تفصیلی است. مسایل فقه سیاسی، مربوط به نظم عمومی و مقررات بین‌المللی در حوزه زندگی سیاسی و اجتماعی است. (لکزایی، ۱۳۸۶: ۷۵) به عبارت دیگر، فقه سیاسی عهده‌دار کشف، بررسی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوپدید در حوزه زندگی سیاسی است. (لکزایی، ۱۳۸۶: ۱۸۷) برخی از مباحث فقه سیاسی یا فقه‌الحکومه عبارتند از: نوع و شکل حکومت، حقوق مردم بر حاکمان، وظایف مردم در قبال حکومت، شرایط و اختیارات ولی فقیه. (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۶) در واقع این دسته از مسایل، از افعال مکلفین در عرصه سیاسی است.

- اخلاق سیاسی: اخلاق سیاسی از ترکیب دو کلمه اخلاق و سیاست تشکیل شده است و بین آن دو رابطه وجود دارد. رابطه بین اخلاق و سیاست، عموم و خصوص مطلق می‌باشد؛ یعنی اخلاق، عام و سیاست بخشی از آن است. اخلاق در دو عرصه فردی و اجتماعی، ولی سیاست با اخلاق اجتماعی ارتباط دارد. اخلاق مقدمه و غایت سیاست است؛ به این معنا که کارگزاران پیش از ورود به سیاست، باید شرایط اخلاقی لازم را کسب کنند و توجه نمایند؛ اینکه هدف از سیاست و تشکیل نظام سیاسی، ایجاد و گسترش فضایل و مکارم اخلاقی در افراد و جامعه است. (شریعت‌مدار، ۱۳۸۳: ۲۶ / ۹۰) پس اخلاق سیاسی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و معیارهای سیاسی مبتنی بر مکتب اسلام است که رعایت آنها برای رسیدن به کمال ضروری است. (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

شاخص: شاخص در لغت به معنای نشانه، سرمشق، نماینده و الگو آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۸ / ۱۳۳۱۱؛ انوری، ۱۳۸۱: ۴۳۹۷) اما شاخص در تحقیقات اجتماعی، به عنوان نشان‌گر موضوع بررسی یا خصوصیت واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی تعریف شده است. (راسخ، ۱۳۹۱: ۷۱۰) برخی، شاخص را به معنای نشانه یا اندازه‌ای از یک مفهوم تعریف کرده‌اند که بر پایه یک رشته از مشاهدات استوار است. (گولد، ۱۳۸۴: ۵۴۰) در

1. Political Philosophy.

هر صورت، منظور از شاخص در اینجا، به معنای نشانه‌های اندیشه سیاسی حضرت امام در ابعاد فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی است؛ مفاهیم برجسته‌ای که نشان‌دهنده محورهای اصلی اندیشه امام در ابعاد مذکور است.

مسائل فلسفه سیاسی امام علیه السلام

در این قسمت، پاسخ‌های امام به مهم‌ترین مسائل فلسفه سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. لزوم تشکیل حکومت اسلامی: امام با توجه به دلایل عقلی و شرعی، تشکیل حکومت را لازم و ضروری می‌داند. به نظر ایشان ضرورت عقلی «وجوب جلوگیری از ناامنی و هرج‌ومرج» و «تأمین امنیت افراد و جامعه»، مستلزم تشکیل حکومت است. به اعتقاد وی بدون حکومت و دستگاه اجرا، هرج‌ومرج لازم می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید؛ که عقل ملتزم به آن نبوده و حکم به پیشگیری از آن می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹) وی معتقد است، داشتن مجموعه قانون الهی برای اصلاح جامعه کافی نیست؛ بلکه علاوه بر قانون، به قوه اجراییه نیاز دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷) علاوه بر آن امام، حفظ مرزهای کشورهای اسلامی را از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب دانسته و تحقق آن را با تشکیل حکومت میسر می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷)

به نظر امام برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی، به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است و نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز بوده و حاکمش طاغوت است و در نظام شرک‌آلود و طاغوتی، نمی‌توان زمینه تربیت افراد مؤمن و بافضیلت را فراهم کرد. در این شرایط، دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یا اجباراً مرتکب اعمال شرک‌آمیز شویم و یا تسلیم نشده و با آنان به مبارزه برخیزیم؛ تا شرایط فاسد را از بین ببریم و این همان ضرورت انقلاب سیاسی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷ - ۲۵)

ضرورت اجرای احکام اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ - ۱۸)، سنت و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸) ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲ - ۲۰؛ ۲۲ - ۲۱) و لزوم نجات مردم مظلوم و محروم، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۹ - ۲۷) از دلایل شرعی و مؤید دلایل عقلی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از نظر امام است.

۲. هدف‌های حکومت اسلامی: امام، دو هدف اساسی اقامه عدل و قسط و اجرای قوانین و احکام الهی را برای حکومت اسلامی برمی‌شمرد. از نظر ایشان، بین بسط عدالت و تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام الهی ملازمه وجود دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۹) علاوه بر دو ویژگی عدالت و قانونمندی، رضایت مردم و حاکمیت ولی فقیه نیز از شاخص‌های اصلی و مهم حکومت مطلوب از دیدگاه امام است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۲۱۳)

۳. ولایت فقیه: از نظر امام، ولایت فقها از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتهای جز جعل ندارد؛ به نظر ایشان، امر ولایت و سرپرستی امت در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به فقیه عادل واگذار شده است و او است

که شایسته رهبری مسلمانان است. فقیه جامع شرایط، مسئول استمرار نظام سیاسی اسلام می‌باشد. فقها دارای منصب ولایت می‌باشند و این منصب از آنان ساقط نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۳۴ - ۳۳) حضرت امام با بهره‌گیری از دلیل عقلی برای اثبات ولایت فقیه معتقد است، ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق آن می‌شود؛ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳) امام علت نیاز ولایت فقیه را به استدلال برای جامعه امروز، اوضاع اجتماعی مسلمانان عموماً و حوزه‌های علمیه خصوصاً می‌داند؛ به اعتقاد ایشان استعمارگران تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست و به درد زندگی اجتماعی نمی‌خورد و از سیاست جدا است. این تبلیغات دشمنان به باور مسلمانان آمد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ - ۳؛ ۱۳۶۵: ۲۱ - ۱۹)

۴. وجوب تشکیل حکومت اسلامی بر فقها: از دیدگاه امام، امر ولایت و سرپرستی امت اسلامی به فقیه عادل سپرده شده است؛ پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است. بنابراین، اگر یکی از فقیهان زمان به تشکیل حکومت، توفیق یافت، بر سایر فقها لازم است از او پیروی کنند. ایشان تأکید دارند، چنانچه امر تشکیل دولت اسلامی جز با هماهنگی و اجتماع همه آنان میسر نباشد، بر همگی آنان واجب است به‌صورت جمعی به این امر اهتمام کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۳۳) از نظر امام اگر امر تشکیل حکومت اسلامی برای فقها ممکن باشد، انجام آن بر آنان واجب عینی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲)

به نظر ایشان، فقهای عادل، امین و وارث انبیا و دژهای استوار اسلام در تمام شئون مربوط به نبوت و امامت هستند و ایفای کامل این نقش جز با تشکیل حکومت اسلامی که جزیی از ولایت است، میسر نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵)

امام براساس اعتقاد و فهم عمیق خود و با تشخیص ضرورت‌ها، به‌عنوان فقیه عادل، برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کرد و با انجام تبلیغات و تعلیمات، یک موج تبلیغاتی و فکری و یک جریان همفکر به‌وجود آورد و توانست با قیام خود و همراهی مردم، حکومت اسلامی را تشکیل دهد و با این کار، زمینه را برای اجرای احکام اسلام و نظام عادلانه اجتماعی اسلام فراهم سازد. وی این چنین، نظر را با عمل درآمیخت.

۵. پیوند دین و سیاست: امام قائل به پیوند دین و سیاست بوده و دلایل عقلی و شرعی را برای اثبات نظر خود ارائه می‌کند. از دیدگاه امام، جامعیت اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۴۰۳ - ۴۰۲) و جهت‌گیری آن برای استقرار نظام عادلانه اجتماعی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۳۸۶)، ادغام سیاست و عبادت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴ / ۴۴۷) اقتدا به سیره انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۱۸۰) و ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵ - ۲۰) از دلایل پیوند دین و سیاست است. به‌نظر ایشان قوانین اسلام به‌گونه‌ای است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد و برای تکوین یک دولت برای اداره امور جامعه تشریح گشته است. این یک منظومه به‌هم‌پیوسته و همان تنیدگی دین و سیاست است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵ - ۲۰)

در نظر امام، حکومت و سیاست، فلسفه عملی تمامی فقه است؛ یعنی فقه جنبه تئوری و نظری دارد و حکومت

جنبه عملی آن است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۲۸۹) در واقع، اسلام یک مجموعه هدفمند و یک منظومه به حساب می‌آید و توجه به یکی بدون دیگری، نقص و بلکه انحراف است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۷۰) از نظر امام استعمار، عمال استعمار، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۸۹ - ۸۸) اهمال حوزه‌های علمیه (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷ - ۴) و خودباختگی مسلمانان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳) از عوامل طرح نظریه جدایی دین از سیاست است.

شاخص‌های سنجش مسائل فلسفه سیاسی امام

برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش مسائل فلسفه سیاسی امام عبارتند از:

ردیف	شاخص‌ها
۱	نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک آمیز و طاغوتی است.
۲	برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنای معطل گذاشتن نظام سیاسی اسلام، پدید آمدن فساد اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی است.
۳	مبارزه برای از بین بردن شرایط فاسد و انقلاب علیه حکومت طاغوت جهت تشکیل حکومت اسلامی واجب است.
۴	ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است.
۵	از نشانه‌های حکومت مطلوب، رضایت اکثریت مردم و حاکمیت ولی فقیه است.
۶	برقراری عدالت اجتماعی، اجرای قوانین الهی، رفع ظلم و جلوگیری از تجاوز بیگانگان در دوره حضور و غیبت امام معصوم واجب است.
۷	ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است.
۸	اجرای احکام الهی تا ابد ضروری است و محدود به زمان و مکان نیست.
۹	ماهیت و کیفیت احکام الهی به گونه‌ای است که اجرا و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است.
۱۰	اقامه عدل و اجرای احکام الهی دو هدف اساسی حکومت اسلامی است.
۱۱	فقهای جامع شرایط در عصر غیبت، به عنوان نمایان امام زمان <small>علیه السلام</small> دارای ولایت الهی برای هدایت مردم و جامعه هستند.
۱۲	فقیه جامع شرایط، مسئول استمرار نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت است.
۱۳	بدیهی دانستن موضوع ولایت فقیه، مبتنی بر بدهت نبوت و امامت است.
۱۴	برقراری دستگاه اجرا و اداره امور جامعه، جزئی از ولایت است.
۱۵	اوضاع اجتماعی مسلمانان و حوزه‌های علمیه از دلایل نیاز ولایت فقیه به استدلال برای جامعه امروز است.
۱۶	برای تشکیل حکومت اسلامی باید با انجام تبلیغات و تعلیمات و ایجاد موج تبلیغاتی، فکری و جریان همفکر اقدام کرد.

ردیف	شاخص‌ها
۱۷	بین دین و سیاست، پیوند وجود دارد.
۱۸	حکومت و سیاست، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است.
۱۹	هدف دین و سیاست یکی است و به‌عنوان یک مجموعه و منظومه هدفمند به حساب می‌آید.
۲۰	استعمار، عمّال استعمار، اهمال حوزه‌های علمیه و خودباختگی مسلمانان از عوامل طرح نظریه جدایی دین از سیاست می‌باشند.

فقه سیاسی اندیشه امام علیه السلام

پس از بررسی فلسفه سیاسی امام، اینک به فقه سیاسی امام می‌پردازیم.

۱. طرز حکومت اسلامی: از نظر امام شکل حکومت، تابع مقتضیات زمانی و مکانی است که توسط مردم تعیین می‌شود؛ ولی محتوای آن را قوانین و احکام اسلام تشکیل می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴ / ۳۳۴) به اعتقاد ایشان حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات، بنابر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود، عمل کند. این اختیارات هرگز استبداد رأی نیست، بلکه در این امر، مصلحت اسلام و مسلمین منظور شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ - ۲۰)

حکومت اسلامی مورد نظر امام، دارای چند شاخصه مهم است؛ اول آنکه محور همه امور جامعه اسلامی باید قانون الهی باشد؛ دوم آنکه رفتار زمامداران مبتنی بر عدالت است؛ سوم آنکه با رضایت مردم به وجود می‌آید و احکام الهی با رضایت اکثریت مردم به اجرا در می‌آید. پس حکومت اسلامی نوع خاصی از حکومت در جهان به حساب می‌آید.

۲. شرایط ولی فقیه: به نظر امام، فقیه و زمامدار اسلامی علاوه بر شرایط عمومی مثل عقل و تدبیر (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷) باید از دو شرط اساسی نیز برخوردار باشد؛ اول، علم به قانون؛ یعنی حاکم اسلامی باید عالم به احکام اسلام باشد. به کارگیری مفهوم افضلیت علمی و اعلام عدم اعتقاد به شرط مرجعیت برای ولی فقیه و کافی دانستن اجتهاد برای ولایت فقیه، طی نامه امام راحل به رئیس مجلس بازنگاری قانون اساسی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۳۷۱) به دست می‌آید که منظور ایشان از شرط علم به قانون الهی، افضلیت علمی می‌باشد؛ نه اعلییت مورد نظر در مرجعیت شیعه. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۹ - ۳۷؛ ۱۳۶۵: ۳۱ - ۲۹) دوم، عدالت؛ امام در ضرورت عقلی شرط دوم معتقد است، کسی که می‌خواهد حدود الهی و قوانین جزایی اسلام را اجرا کند و مسئول بیت‌المال و دخل و خرج مملکت باشد و اختیار مردم را در دست بگیرد، باید معصیت‌کار و ظالم نباشد؛ و الاً عادلانه رفتار نخواهد کرد. به نظر امام، ویژگی کفایت و صلاحیت، که برای زمامدار ضروری است، در همان شرط نخست، یعنی علم به معنای وسیع آن، مندرج است. (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۳۰)

۳. اختیارات ولی فقیه: از نظر امام، فقیه عادل در صورت تشکیل حکومت، همان اختیارات، وظایف و ولایتی

را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در امر اداره جامعه و تمام مسایل مربوط به حکومت و سیاست داشتند، مثل تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان، فقیه عادل نیز دارا می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۰؛ ۱۳۶۵: ۳۳) بنابراین، اختیارات ولایت مطلقه فقیه از نظر امام، یعنی اینکه فقیه علاوه بر ولایت در امور حسیه، منصب افتا و قضاوت، تمام اختیارات حکومتی امام معصوم را براساس مصلحت اسلام و مسلمین نیز دارا می‌باشد و در صورت بروز مصلحت، در امور جزئی و فرعی نیز دارای ولایت و اختیار است. البته امام معتقد است، فضایل معنوی پیغمبر و امام معصوم، زیادتیر از فقهای عادل است؛ ولی زیادی فضایل معنوی، موجب افزایش اختیارات حکومتی نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۳ - ۴۰)

۴. وظایف ولی فقیه و حکومت اسلامی: امام متناسب با مبانی و اصول اندیشه سیاسی خود و هدف تأسیس حکومت اسلامی، وظایفی را برای ولی فقیه و حکومت اسلامی برمی‌شمارد. امام حفظ اسلام و جمهوری اسلامی را از بالاترین و اعظم فرایض الهی و از اهم واجبات عقلی و شرعی می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۷) وی اجرای قانون الهی را وسیله‌ای برای تحقق عدالت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۴) و اصلاح و تهذیب و پرورش انسان مهذب می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۲) تأمین امنیت و رفاه نسبی برای عموم مردم، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۷ و ۶۲) حفظ هویت، استقلال و تمامیت ارضی، (همان: ۵۳۵ - ۵۳۳؛ ۱۵۹ / ۱۰؛ ۴۲۷ / ۲۱؛ ۴۱۷ - ۴۱۴) توجه به مصالح اسلام و مسلمین، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۳۰۱ - ۳۰۰) خدمت به مردم مخصوصاً به طبقات محروم و جلب رضایت مردم (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۲۵۳؛ ۱۸ / ۳۷۸، ۷۸ و ۷۹؛ ۴ / ۲۰۱) از دیگر وظایفی است که ایشان برای حکومت اسلامی تعریف می‌کند. امام معتقد به وجود ارتباط بین رضایت مردم، کسب رضای خدا، انجام وظیفه، حفظ اسلام و استمرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

شاخص‌های سنجش فقه سیاسی امام

برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش فقه سیاسی امام، به شرح ذیل است:

ردیف	شاخص‌ها
۱	شکل حکومت در اسلام، تابع مقتضیات زمان و مکان است؛ که توسط مردم تعیین می‌شود.
۲	محتوای حکومت در اسلام، احکام و قوانین الهی است.
۳	جمهوری اسلامی نشانگر دو بُعد جمهوریت و اسلامیت حکومت اسلامی است.
۴	علم به قانون و عدالت، دو شرط لازم برای ولی فقیه است.
۵	محوریت قانون الهی در همه امور جامعه، رفتار عادلانه و رضایت مردم، از شاخص‌های مهم حکومت اسلامی است.
۶	براساس نظریه ولایت مطلقه فقیه، حکومت اسلامی از تمام اختیارات حکومتی معصومین <small>علیهم السلام</small> براساس مصلحت اسلام و مسلمین برخوردار است.

۷	ولی فقیه باید دارای افضلیت علمی نسبت به دیگران باشد.
۸	اعمال و اجرای قانون الهی مبتنی بر رضایت مردم است.
۹	اجرای قوانین الهی، برقراری نظام اجتماعی عادلانه و توجه به مصالح اسلام و مسلمین از وظایف ولی فقیه و حکومت اسلامی است.
۱۰	حفظ اسلام، حفظ هویت و استقلال کشور، خدمت به مردم و جلب رضایت آنان از وظایف ولی فقیه و حکومت اسلامی است.
۱۱	حفظ نظام جمهوری اسلامی از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است.
۱۲	جلب رضایت مردم، هم تکلیف شرعی و هم حکم عقل است.

اخلاق سیاسی امام علیه السلام

پس از تبیین فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام اینک به تبیین شاخص‌های اخلاق سیاسی ایشان در دو بُعد فضایل و رذایل می‌پردازیم.

اندیشه امام متأثر از حکمت متعالیه و دارای ویژگی منظومه‌ای، عرفانی و اخلاقی است؛ یعنی اندیشه امام در ابعاد فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی در پی تحقق یک هدف مشترک است. برابر نگاه منظومه‌ای امام، فرد و جامعه هر دو دارای اصالت و اهمیت هستند و بین زندگی فردی و اجتماعی انسان، رابطه وجود دارد. (افروغ، ۱۳۹۰: ۸۱ - ۷۸) از دیدگاه امام علاوه بر اینکه بین اخلاق و سیاست رابطه وجود دارد، اخلاق مقدم بر سیاست است. چون سیاستمدار بی‌اخلاق موجب فساد و انحطاط خود و جامعه می‌شود؛ در صورت تحقق و استمرار تهذیب نفس، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران استمرار می‌یابد. چراکه از نظر ایشان منشأ اختلاف، انحطاط و انحراف انسان و جامعه و به تبع آن، نظام سیاسی، هوای نفس است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۱۳۴) و هدف اسلام و سیاست یکی است. اسلام یک مجموعه هدفمند و یک منظومه به حساب می‌آید و توجه به یکی بدون دیگری، نقص و بلکه انحراف است.

اخلاق سیاسی در بُعد فضایل: از نظر امام، انسان زمانی می‌تواند بر جنود شیطانی غلبه نماید و با خودشناسی، مبارزه با نفس، مدیریت غرایز و تربیت نفس، موجب سعادت خود و جامعه شود که از شاخص‌های فضیلت اخلاقی برخوردار باشد. در اینجا، برخی از شاخص‌های اخلاق سیاسی در بُعد فضایل از دیدگاه امام، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- امیدواری: از نظر امام، رجاء از فطریات است و مبدأ حصول رجاء، حسن ظنّ به خدا است. امیدواری، انسان و جامعه را به نعمت و موفقیت می‌رساند. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۳۸ - ۱۳۰) انسان امیدوار با جدیت و توکل به خدا، به رفع مشکلات خود و جامعه پرداخته و موجب سعادت و پیشرفت جامعه می‌شود. جامعه امیدوار، دارای هویت منسجمی است و می‌تواند در برابر مشکلات و نفوذ بیگانگان مقاومت کند و با استقامت و پایداری خود، به اهدافش دست یابد.

- رفق و مدارا: از دیدگاه امام، در انجام امور دنیایی آن‌طور که با رفق و مدارا ممکن است، انسان قلوب مردم را تصرف کند، با شدت و عنف ممکن نیست. اگر کسی با شدت و سلطه، از انسان اطاعت کند، چون قلب او همراه نشده است، انسان از خیانت او در امان نخواهد ماند؛ ولی رفق و دوستی، دل را رام می‌کند. با رام شدن دل، تمام قوای ظاهره و باطنه رام می‌شود و فتح قلوب از فتح ممالک بالاتر است. بنابراین، این یک مسئله و درک عقلی است که باید برای پیشرفت امور و دستیابی به اهداف، از رفق و مدارا برخوردار باشیم. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۱۷ - ۳۱۳) در جمهوری اسلامی ایران معمولاً مدیرانی موفق بوده‌اند که مردمی بوده و احکام الهی را با رضایت مردم و با رفق و مدارا به اجرا گذاشته‌اند؛ مثل منش امام. این نوع حکومت، بهترین نوع حکومت است.

- تواضع: از نظر امام، تواضع برای بندگان، عین تواضع از حق است. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۵۴) از آثار تواضع، عدم چاپلوسی و تملق‌گویی است. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۳۴) با ایجاد تواضع قلبی و ظاهر شدن آثار آن بر نفس، می‌توانیم با استفاده از نظرات کارشناسان موافق و مخالف، از ثمرات ارزشمند تضارب آراء، عقل و خرد جمعی برخوردار شویم و اشتباهات خود را به حداقل برسانیم و از جامعه‌ای سالم، امن، همبسته و موفق برخوردار باشیم.

- حلم: از نظر امام، حلم، ملکه‌ای است که موجب طمأنینه نفس می‌شود و از هیجانی شدن زود هنگام و بی‌موقع قوه غضب، جلوگیری می‌کند. شخص حلیم در ناملایمات و با ملاحظه رفتار و گفتار مخالف خود، از حوصله بیرون نرفته و لجام گسیخته نمی‌شود و دست به اعمال افراطی نخواهد زد؛ (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۸۰) بلکه بردباری پیشه می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۶۸)

- صداقت: امام معتقد است اگر انسان صادق نباشد، به‌مرور به‌سمت دیکتاتوری خواهد رفت. چون انسان صادق، با استدلال و برهان، فهم خود را برای دیگران توضیح می‌دهد تا اگر پذیرفتند، اقدام کند. اگر کسی به‌دنبال تحمیل فهم خود به دیگران باشد، او دیکتاتور است. به‌نظر ایشان، دیکتاتوری از عدم اعتراف به اشتباه و اصرار به ادامه راه کج به‌وجود می‌آید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۹۴ - ۹۰) وی اقرار به خطا را از کمالات انسانی می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۷)

- انتقادپذیری: از دیدگاه امام، انتقادپذیری زمینه‌ای برای کمال انسان به‌حساب می‌آید. وی معتقد است اگر کسی بخواهد برای خدا کار کند و به مقام انسانیت برسد، باید مدام دنبال این باشد و ببیند که چه عیبی دارد. چون اگر دنبال عیبش باشد، درصدد رفع آن برمی‌آید؛ ولی اگر دنبال حُسنش باشد، این پرده‌ای در چشم انسان می‌شود و نمی‌تواند حقیقت و عیوب خودش را ببیند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۲۴۶) امام انتقاد کردن بر یکدیگر و عملکرد مسئولان را ضروری برمی‌شمارد. چون آن را موجب اصلاح جامعه می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۴۰۱) از نظر ایشان، انتقادپذیری از آثار تربیت نفس است و انتقادپذیر، از انتقاد به سود جامعه

استفاده می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۹۸) ایشان روحیه انتقادپذیری را موجب کمال و اصلاح جامعه و مانع دیکتاتوری می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸ / ۵۱۲)

- ساده‌زیستی و زهد: از نظر امام، ساده‌زیستی موجب قدرت روحی انسان می‌شود و در نتیجه می‌تواند در برابر ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها بایستد و در قلوب مردم نفوذ کند و کارهای بزرگی را انجام دهد. وی ایستادگی مرحوم مدرس را در مقابل رضاشاه قلدر، ناشی از قدرت روحی و بی‌اعتنایی مرحوم مدرس به مقام و امور دنیوی و داشتن زندگی زاهدانه و وارستگی ایشان می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۴۵۳ - ۴۵۱) و از مسئولان می‌خواهد که سبک زندگی ساده‌زیستی پیامبر و مردان بزرگ تاریخ اسلام را نصب‌العین خود قرار دهند. به نظر ایشان تجمل‌گرایی موجب دور شدن از معنویات، وابستگی و مطرود شدن از نظر مردم می‌شود؛ که با اهداف اسلام و جمهوری اسلامی ناسازگار است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۴۵۳ - ۴۵۲)

اخلاق سیاسی در بُعد رذایل: اینک برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اخلاق سیاسی را در بُعد رذایل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- حسد: زمامدارِ حسود، دارای اسلحه قدرت و نفوذ است؛ ولی با وجود حسادت، عقلش مغلوب هوای نفسانی و شیطان است و چنین فردی ممکن است برای حفظ خود، دست به هر کاری بزند. از مفاسد مهم حسد ناامنی است. چون در فضای کینه‌ها و عقده‌ها، افراد جامعه قابل اعتماد نیستند و هر لحظه احتمال توطئه و تهمت علیه یکدیگر می‌رود. چنین جامعه‌ای، از امنیت و آسایش برخوردار نیست. از مفاسد اجتماعی حسد می‌توان به عقب‌ماندگی اشاره کرد. چون افراد حسود تحمل پیشرفت دیگران را ندارند و برای حفظ برتری خود، مانع ترقی دیگران می‌شوند. جامعه حسود هم‌افزایی ندارد؛ چراکه حسودان قدرت و تلاش‌های مثبت همدیگر را خنثی می‌کنند؛ بنابراین، از پیشرفت باز می‌ایستد و عقب خواهد ماند. حسد موجب تولید رذایل اخلاقی دیگری مثل کبر، غیبت و نیمه نیز می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۰ - ۱۰۶)

- حُب جاه و مقام: حُب جاه و مقام یعنی کسب شهرت و محبوبیت در میان مردم و رسیدن به مقام و موقعیت اجتماعی، که اگر با هدف برتری‌طلبی، ریاست، اعمال قدرت و سلطه بر دیگران باشد، مذموم بوده و از رذیله اخلاقی است. چون علاقه به تفوق و برتری و تسلط و نفوذ بر دیگران با آفرینش خدا، در تعارض است. پس علاقه به جاه و مقام و دل بسته بودن به آن، بد و مذموم است. چون سبب می‌شود تا انسان برای حفظ آن به دورویی و نفاق متوسل شود و در برابر ظلم ظالمان و تجاوز به حقوق مردم سکوت کند و رقبای خود را با انواع دروغ و تهمت از صحنه بیرون کند و بسیاری از مفاسد اخلاقی و خلاف احکام اسلامی را انجام دهد. (ورعی، ۱۳۸۸: ۲۱ - ۱۷) به نظر امام، بین حُر بودن انسان و مبارزه با ظلم و بین عدم تعلق و وابستگی انسان به مال و جاه و مقام، رابطه وجود دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۴۵۳ - ۴۵۲) برخی از آثار و پیامدهای حُب جاه و مقام عبارتند از: ترس از قدرتمندان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۴۷۱)، منشأ شکست انقلاب

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶ / ۲۳)، خودخواهی، کبر و غرور و سقوط انسانیت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۱۵ - ۱۴) با توجه به مفاسد حبّ جاه و مقام و دلبستگی انسان به این رذیله اخلاقی، به مصلحت نیست که این دسته از افراد بر مسند امور قرار گیرند.

- غیبت: از نظر امام، غیبت از گناهان کبیره است. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۰۳) امام علاوه بر ضررهای فردی غیبت، ضررهای اجتماعی آن را مورد توجه قرار می‌دهد. از ضررهای اجتماعی غیبت آن است که موجب فساد بنی‌الانسان و تخریب مدینه فاضله می‌شود؛ درحالی‌که از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، اصلاح فرد و جامعه، توحید کلمه، توحید عقیده و تشکیل مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ انجام نمی‌گیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری؛ ولی غیبت، اخوت را پاره می‌کند و بین جمعیت، تفرقه ایجاد می‌نماید. غیبت با ایجاد کینه، حسد، بغض، عداوت و نفاق در جامعه، سبب سستی و گسستن وحدت و پایه دیانت جامعه و شکست اهداف اسلام می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۱۰)

شاخص‌های سنجش اخلاق سیاسی امام

برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش اخلاق سیاسی در بُعد فضایل، عبارتند از:

ردیف	شاخص‌ها
۱	اخلاق، مقدّم بر سیاست است.
۲	سیاست، ابزار اخلاق است.
۳	موفقیتِ انسان با غلبه بر قوای شیطانی درون به دست می‌آید.
۴	انسان دارای سرشت دوگانه (جنود رحمانی و شیطانی) و تربیت‌پذیر است.
۵	امیدواری، محرک انسان برای غلبه بر مشکلات است.
۶	رفق و مدارا سبب تصرف قلوب مردم و آرامش دل و قوای آنان می‌شود.
۷	تواضع به خلق عین تواضع به خدا است.
۸	از آثار تواضع، عدم چاپلوسی و تملق‌گویی است.
۹	سوءظن به خود و حسن‌ظن به دیگران، سبب سلامت جامعه می‌شود.
۱۰	رو راست بودن با مردم، موجب محبوبیت و استمرار حاکمیت می‌شود.
۱۱	انتقادپذیری، از آثار تربیت نفس بوده و موجب اصلاح جامعه می‌شود.
۱۲	انتقادپذیری، مانع دیکتاتوری است.
۱۳	ساده‌زیستی، موجب قدرت روحی انسان می‌شود و در نتیجه می‌تواند در برابر ظلم و بی‌عدالتی بایستد.
۱۴	ساده‌زیستی، به معنای عدم تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام است.

برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش اخلاق سیاسی در بُعد ردایل، عبارتند از:

ردیف	شاخص‌ها
۱	قدرت در دست انسان غیر مهذب، فسادآور است.
۲	حسد، حبّ مقام، نفاق و غیبت از ردایل اخلاق سیاسی است.
۳	زاممدار حسود سبب تفرقه، هدر رفتن منابع و رکود جامعه می‌شود.
۴	از مفاسد حسد، ناامنی و عقب‌ماندگی است.
۵	ضعف نفس و شکست انقلاب اسلامی از آثار حبّ مقام است.
۶	از ضررهای اجتماعی غیبت، فساد بنی‌الانسان و تخریب مدینه فاضله و موجب گسستن اخوت و پایه و دیانت جامعه است.

نتیجه

در این مقاله، شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام در سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی تعیین و معرفی شده است. این پژوهش براساس چارچوب اندیشه سیاسی امام و پیروی از الگوی تقسیم سه بُعدی اسلام توسط ایشان انجام یافته است؛ یعنی، نگاه منظومه‌ای حضرت امام به اسلام در ابعاد فلسفه، فقه و اخلاق سیاسی محور اصلی پژوهش حاضر بوده است.

در مسایل فلسفه سیاسی امام، دلایل عقلی و نقلی لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه، وجوب تشکیل حکومت توسط فقها و رابطه دین و سیاست، تبیین و شاخص‌بندی شد.

امام معتقد است، احکام اسلام محدود به زمان خاصی نیست؛ بلکه همه دوران زندگی بشر را تا ابد دربرمی‌گیرد و معطل گذاشتن قوانین الهی در عصر پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و دوران غیبت، قبیح است. از نظر ایشان، حکومت اسلامی اساساً با دو هدف «اقامه عدل و قسط» و «اجرای احکام الهی» تشکیل می‌شود.

امام معتقد است در حکومت اسلامی، فقیه جامع شرایط دارای حق حکومت کردن است و او است که مسئول استمرار نظام سیاسی اسلام بوده و باید مردم را به سوی صلاح و رستگاری، هدایت کند.

به نظر وی، ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصورش موجب تصدیق آن می‌شود؛ اما اینکه چرا این موضوع بدیهی در جامعه امروز نیاز به استدلال پیدا کرده، می‌توان آن را با اوضاع اجتماعی مسلمانان (خودباختگی و دور شدن از اسلام حقیقی) و عملکرد حوزه‌های علمیه (اهمال حوزه‌ها در معرفی اسلام به شکل ناقص) مرتبط دانست.

امام معتقد به پیوند دین و سیاست است و آن را با دلایل عقلی و شرعی به اثبات رساند. جامعیت دین اسلام، جهت‌گیری اساسی دین برای استقرار نظام عادلانه اجتماعی، ادغام سیاست و دیانت، مرکزیت مسجد

برای سیاست اسلامی، سیره انبیا و اهل بیت علیهم السلام، ضرورت استمرار اجرای احکام الهی پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و ماهیت و کیفیت قوانین اسلام، از مهم‌ترین دلایل پیوند دین و سیاست از منظر ایشان است. استعمار، عمال استعمار، اهمال حوزه‌های علمیه و خودباختگی مسلمانان، از مهم‌ترین عوامل طرح نظریه جدایی دین از سیاست از دیدگاه امام است.

از منظر امام در قسم فقه سیاسی، اگرچه شکل حکومت براساس اقتضانات زمانی و مکانی توسط مردم تعیین می‌شود؛ اما محتوای حکومت همان قوانین و برنامه‌های اسلام است و همه تابع احکام الهی هستند؛ در حکومت اسلامی مدتظر امام، چند شاخص مهم وجود دارد؛ اول، محوریت قانون الهی؛ دوم، رعایت عدالت و سوم، رضایت اکثریت مردم.

از نظر امام، ولی فقیه باید از شرایط ضروری عمومی (عقل و تدبیر) و اختصاصی (علم به قانون الهی و عدالت) برخوردار باشد؛ امام خمینی علیه السلام درباره اختیارات ولی فقیه معتقد است، فقیه و حکومت اسلامی علاوه بر ولایت در امور حسبیه، منصب افتا و قضاوت، تمام اختیارات حکومتی امام معصوم علیه السلام را براساس مصلحت اسلام و مسلمین دارا است؛ البته از نظر ایشان، اگرچه فضایل معنوی پیغمبر و امام معصوم، از فقها بیشتر است؛ ولی این مطلب موجب افزایش اختیارات حکومتی نمی‌شود. ولایت مطلقه فقیه مورد نظر امام یعنی اینکه فقیه در چارچوب مصلحت عمومی و مصلحت شرع، در تمامی امور مربوط به جامعه، دارای اختیار و ولایت است و می‌تواند حکم صادر کند.

اندیشه امام در قسم اخلاق سیاسی در دو بُعد فضایل و رذایل مورد بررسی قرار گرفت. از امیدواری، رفق و مدارا، تواضع، حلم، صداقت، انتقادپذیری و ساده‌زیستی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اخلاق سیاسی در بُعد فضایل و از حسد، حبّ جاه و مقام و غیبت، به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اخلاق سیاسی در بُعد رذایل یاد شده است.

امام معتقد به رابطه بین اخلاق و سیاست است و اخلاق را مقدم بر سیاست می‌داند. وی معتقد است، تهذیب نفس و اخلاق برای سیاستمدار لازم است. از نظر ایشان، انسان مهذب می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت و امکانات به اجرای احکام الهی و تحقق عدالت اجتماعی همت گماشته و جامعه را به سوی رستگاری هدایت نماید. انسان مهذب کسی است که ایمانش به خدا محکم است، به خدا امیدوار و حسن‌ظن دارد، از افراط و تفریط به دور بوده و عدالت‌پیشه است، ضمن تلاش در حد کفایت، توکل به خدا داشته و امور را به او واگذار می‌کند، در انجام امور دینی، مادی و معنوی و امور خلق، اهل رفق و مدارا و ملایمت است، نسبت به خلق و در برابر خدا متواضع بوده و از کبر و غرور به دور می‌باشد، فردی بردبار و حلیم بوده و در مواجهه با نامالیمات از حوصله بیرون نرفته و غضب وی به جوش نمی‌آید، انسانی صبور بوده و مشکلات خود را پیش خلق به شکایت نمی‌برد و نفس خود را نگه می‌دارد، در برابر خدا و خلق رو راست و صادق است، انتقادپذیر بوده و

انتقادها را یک فرصت و نعمت تلقی کرده و با گشاده‌رویی از آن استقبال می‌کند، نسبت به دنیا بی‌رغبت بوده و دلبسته آن نمی‌شود و ساده‌زیست است. از نظر امام، قدرت در دست انسان غیرمهدب و دارای رذایل اخلاق سیاسی، فسادآور بوده و موجب تباهی و انحطاط جامعه می‌شود.

امام معتقد است، هریک از سه قسم فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی به‌مثابه یک منظمه در یکدیگر اثرگذارند؛ یعنی فلسفه سیاسی و اعتقادات در فقه سیاسی، رفتار و اخلاق سیاسی انسان و اعمال نیز در باور و اخلاق و اخلاق هم در باور و اعمال انسان اثر می‌گذارد؛ در واقع، بنابه نگاه منظومه‌ای امام، بین این سه قسم رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی، انسان زمانی می‌تواند کامل باشد که دارای اعتقادات صحیح بوده و ضمن عمل به عقایدش، از فضایل اخلاقی نیز برخوردار باشد.

همان‌گونه که در متن مقاله ملاحظه شده است، انسان وقتی که معتقد باشد، دین و قوانین الهی برای اجرا و تأمین سعادت بشر آمده است و اجرا هم نیازمند دستگاه اجرایی و حکومت است و برای تأسیس حکومت و اجرای احکام الهی محتاج رضایت اکثریت مردم هستیم و جلب رضایت مردم یک امر واقعی و یک تکلیف شرعی و حکم عقلی است و مجری احکام الهی لازم است، عالم به احکام الهی، عادل و دارای فضایل اخلاق سیاسی بوده و از رذایل اخلاق سیاسی مبرا باشد، در این صورت، با تشکیل حکومت اسلامی و اجرای قوانین الهی توأم با رضایت عموم مردم توسط انسان مهدب (ولی فقیه جامع شرایط)، آن منظومه مدنظر امام خمینی علیه السلام شکل یافته و با تحقق آن، موجبات سعادت جامعه فراهم خواهد شد.

به اعتقاد امام راحل، نقص و کمال هریک از اقسام سه‌گانه مذکور در دیگری اثرگذار خواهد بود؛ یعنی اگر انسانی مهدب باشد ولی دارای باور و اعتقاد قوی و کاملی نباشد، یا فردی مهدب و معتقد باشد، ولی عامل به باورها و معتقدات نباشد، در آن صورت، جامعه مطلوب مورد نظر امام تحقق نخواهد یافت؛ در واقع، جامعه مطلوب و سعادت‌مند مدنظر ایشان با ملاحظه و توجه به هر سه قسم یادشده تحقق خواهد یافت.

در این پژوهش در مجموع، ۵۲ شاخص از اندیشه سیاسی امام در سه بُعد فلسفه سیاسی، (۲۰ شاخص) فقه سیاسی (۱۲ شاخص) و اخلاق سیاسی، (۲۰ شاخص) برابر چارچوب اندیشه امام، مشخص و معرفی شده است. اگرچه این نوع بررسی از اندیشه سیاسی امام به‌عنوان نقطه شروع محسوب می‌شود؛ ولی امید می‌رود در تحکیم و انتقال اندیشه منظومه‌ای و جامع‌نگر امام به مخاطبان تأثیرگذار باشد و در نتیجه، بر عمر باعزت نظام جمهوری اسلامی ایران افزوده شود و موجب فراگیری بیشتر مبانی سیاسی تفکر انقلاب اسلامی در مناطق مختلف دنیا شود.

منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
۲. افروغ، عماد، ۱۳۹۰، درآمدی بر رابطه اخلاق و سیاست؛ نقدی بر ماکیاولیسم، تهران، انتشارات سوره مهر.

۳. الهامی‌نیا، علی اصغر، ۱۳۸۵، *اخلاق سیاسی*، قم، زمزم هدایت.
۴. امام خمینی، روح الله، ۱۳۶۵، *شئون و اختیارات ولی فقیه*، ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. _____، ۱۳۷۱، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. _____، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. _____، ۱۳۷۸، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۸. _____، ۱۳۹۱، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. انوری، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۱، تهران، سخن.
۱۰. برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۰، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام: سیاست به مثابه صراط*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۱. بشیریه، حسین، ۱۳۸۳، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، اندیشه‌های مارکسیستی*، ج ۱، تهران، نشر نی.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۸، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، تهران، پژوهشگاه امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۳، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. راسخ، کرامت‌الله، ۱۳۹۱، *فرهنگ جامعه‌شناسی و علوم انسانی*، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم.
۱۵. سلمان، محمد، ۱۳۹۰، *اندیشه سیاسی ابن رشد*، قم، بوستان کتاب.
۱۶. شریعتمداری، سید نورالدین و محمدرضا شریعتمداری، ۱۳۸۳، «ثبات و تغییر اصول اخلاقی و سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۶.
۱۷. غفوریان، محمدرضا، ۱۳۸۹، *اندیشه‌های فلسفی امام خمینی علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۸. فوزی، یحیی، ۱۳۸۴، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۱۹. قاسمی، علی، ۱۳۹۱، «مختصات فقه سیاسی در اندیشه رهبری»، *زمانه*، شماره‌های ۲۳ و ۲۴.
۲۰. گولد، جولیس، ویلیام ل. کولب، ۱۳۸۴، *فرهنگ علوم اجتماعی*، گروه مترجمان، تهران، مازیار.
۲۱. لک‌زایی، نجف، ۱۳۸۴، *سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی علیه السلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. _____، ۱۳۸۶، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۳. واعظی، احمد، ۱۳۸۶، *حکومت اسلامی: درس‌نامه اندیشه سیاسی اسلام*، قم، مرکز تألیف متون درسی حوزه علمیه قم.
۲۴. ورعی، سیدجواد، ۱۳۸۸، *حبّ جاه و مقام*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

دور الإمام الخميني عليه السلام في تحقيق تفوق الخطاب الإسلامي في خضم الثورة الإسلامية في إيران^١مسعود اخوان كاظمي^٢ / سيد شمس الدين صادقي^٣ / رضا دهقاني^٤

الخلاصة: انتصار الثورة الإسلامية في إيران ودور الإمام الخميني عليه السلام في قيادة هذه الثورة وتصديده لزام نضال القوى الثورية في ساحة كانت تتنافس فيها خطابات مختلفة وتفوق هذا الخطاب على سائر الخطابات التي كانت سائدة في الساحة الإيرانية، دفع إلى إثارة هذا السؤال وهو: كيف استطاعت قيادة الثورة توجيه الخطاب الإسلام لمواجهة الخطابات السائدة وتحويله إلى الخطاب الوحيد المتفوق بين الخطابات المنافسة؟

يحاول هذا البحث عن طريق الإجابة عن هذا السؤال الأساسي، من خلال الإطار النظري لتحليل الخطاب المعروف باسم تحليل «لاكلا و موف»، إثبات أن الخطاب الإسلامي، قد استطاع بفضل قوة وكفاءة دعائه السياسيين، وخاصة قيادة الإمام الخميني عليه السلام وما يتسم به من قدرات متميزة، أن يتحول إلى خطاب متفوق وأن يطبع الإنتصار الثوري بطابع إسلامي بامتياز.

الكلمات المفتاحية: تحليل الخطاب، الخطاب الإسلامي، قيادة الثورة، الإمام الخميني عليه السلام، التفوق الخطابي.

دراسة للأبعاد، والمكونات والمخاطر التي تهدد الهوية الإيرانية - الإسلامية

من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام والمرشد الأعلى للثورة الإسلاميةعلى رضا سميعي اصفهاني^٥ / ابوذرفيقي قهساره^٦ / نسبية نوري^٧

الخلاصة: هناك نظريات متعددة طرحها منظرون حول ماهية الهوية الوطنية والعناصر المؤثرة في صياغتها وتحولها. ومع ذلك فإن جميع هذه النظريات والآراء تشترك في القول إن الهوية الوطنية نوعاً «من التمايز الواعي للذات عن الآخرين». يسعى هذا البحث من خلال الاستعانة بالاتجاه الاجتماعي وعلى أساس المنظومة الفكرية والمعرفية للإمام الخميني عليه السلام ومرشد الثورة الإسلامية للإجابة عن التساؤلات الثلاثة التالية حول الهوية الوطنية للإيرانيين وهي: أولاً: ما هي أبعاد الهوية الوطنية؟ وثانياً: ما هي المكونات التي تنطوي عليها هذه الأبعاد؟ وثالثاً: ما هي العوامل التي تهدد المكونات المذكورة وكيف يمكن مواجهتها من خلال الاستعانة بالقدرات التي تتسم بها الهوية الوطنية؟ و مما يراه هذا البحث هو أن الاتجاه الاجتماعي بما يتسم به من خصائص، له قدرة على تبين موضوع هذا البحث.

الكلمات المفتاحية: الهوية الوطنية، الهوية الإيرانية - الإسلامية، الإمام الخميني عليه السلام، المرشد الأعلى للثورة الإسلامية.

١. بحث مُستل من رسالة جامعية.

٢. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة الرازي.

٣. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة الرازي.

٤. ماجستير في العلوم السياسية.

٥. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

٦. عضو الهيئة العلمية في قسم العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

٧. طالبة ماجستير في العلوم السياسية، جامعة ياسوج.

mak392@yahoo.com

sadeghi118@yahoo.com

Reza.dehghani@live.com

asamiei@yu.ac.ir

rafiei_aboozar@yahoo.com

nasibe.noori@yahoo.com

دور النظرية الثقافية للإمام الخميني (ع) في فهم الثورة الإسلامية

سيد محمد حسين هاشميان^١ / مجتبي نامخواه^٢

الخلاصة: لفهم المنهجى للآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) أنما يُتاح لمن يطلع على القضايا المختلفة التي طرحها سماحته في مواضيع ثقافية متنوعة، حيث يتسنى له حينها استنباط الهيكلية النظرية لهذه الرؤى. ثم يحاول على أساس الوجه المتميز الذي تتفرد به هذه الهيكلية، صياغة الآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) على نحو نظرية ثقافية متناغمة. يحاول هذا البحث أن يتوصل ابتداءً بأسلوب وصفى تحليلي وعن طريق توظيف الاطار الذي وضعه فيليب سميث^٣ لغرض دراسة أية نظرية ثقافية، للتعرف على الآراء الثقافية للإمام الخميني (ع) مع التركيز على اعادة صياغة ما دعى إليه من رؤى تجديدية ومفاهيم تفرد بوضعها. ثم يحاول هذا البحث الاستدلال على ان الاطار الذي تمّ التوصل إليه حول النظرية الثقافية للإمام الخميني (ع)، يوفر الظروف والمستلزمات لفهم الثورة الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: الثقافة، النظرية الثقافية، الإمام الخميني (ع)، الإسلام الثوري، الإنسان الثوري.

معالم الفكر السياسي للإمام الخميني (ع)

(في ثلاثة ميادين: الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية)

على اكبرى معلم^٤

الخلاصة: يرمى هذا البحث الى تبين وتأطير معالم الفكر السياسي للإمام الراحل في ثلاثة ميادين، وهي: الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية. جرى في هذا البحث تسليط الضوء على إجابات سماحة الإمام الخميني (ع) عن تساؤلات أساسية حول الفلسفة السياسية، والفقه السياسي، والأخلاق السياسية على أساس نموذج التقسيم الثلاثي للإسلام وفي اطار فكر الإمام، حيث جرى تعيين وتعريف معالم كل قسم منها. وكان من المعطيات التي توصل إليها هذا البحث أنه وفقاً لمنظومة فكر الإمام، هناك بين هذه الأقسام الثلاثة المذكورة أنفاً علاقة منطقية ذات دلالة، وأى كمال أو نقص يلحق بأى منها يلحق بالآخرى، وفي ما عدا ذلك لا يتحقق المجتمع المنشود. وكذلك في ضوء الرؤية المنظومية للإمام، لا يتحقق فهم كامل لفكره السياسي إلا بفهم الأقسام الثلاثة المشار إليها في ما سبق. ومما يتميز به هذا البحث، يمكن الإشارة الى أنه تناول الفكر السياسي للإمام بما يتطابق مع منظومته الفكرية وبالنحو الذي كان يرمى إليه مع تعيين المؤشرات التي يختص بها كل قسم.

الكلمات المفتاحية: الفكر السياسي، الإمام الخميني (ع)، الفلسفة السياسية، الفقه السياسي، الأخلاق السياسية، المعالم.

hashemi1401@gmail.com

namkhahmojtaba@gmail.com

3. Philip Smith.

enghelabe.eslamii@gmail.com

١. استاذ مشارك في جامعة باقر العلوم (ع).

٢. ماجستير في علم الاجتماعى للمسلمين.

٤. استاذ مساعد في المعهد العالى للعلوم والثقافة الإسلامية.

مكانة مبدأ التكليف في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته

سيد مرتضى هزاوه اي^١ / سكينه سلطاني بيرامي^٢

الخلاصة: حاول هذا البحث الإجابة عن هذا السؤال: ما هي مكانة مبدأ التكليف في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته؟ ولغرض التوصل الى الأهداف التي يرمى إليها هذا البحث، فقد اتّبع الأسلوب الوصفي - التحليلي لفهم أبعاد التكليف، و أركان ادائه التكليف والعلاقة بين التكليف والنتيجة في الفكر السياسي للإمام رحمته. تتمّ معطيات البحث عن أنّ التكليف يمثل المكوّن الرئيسي للفكر السياسي للإمام رحمته على الصعيدين النظري والعملية. غير أن القضية الأساسية في هذا البحث، هي طبيعة العلاقة بين التكليف والنتيجة حيث اتّضح في سياق البحث أن مبدأ التكليف عند الإمام رحمته لا يعني عدم الإهتمام بالنتيجة، وإن كان المبدأ الأساسي في فكره السياسي هو العمل بمبدأ التكليف، وأما النتيجة فهي تكمن في العمل بالتكليف.

الكلمات المفتاحية: الإمام الخميني، التكليف، مبدأ التكليف، مبدأ النتيجة، الحق.

الأسس الفقهية لحفظ النظام في الفكر السياسي للإمام الخميني رحمته

محسن ولايتي^٣

الخلاصة: من المباحث المهمة في الفكر السياسي، حفظ النظام. لقد درس هذا البحث مبادئ حفظ النظام الإسلامي في فكر الإمام الخميني رحمته على أساس المنهج الوصفي وتحليل مكونات الفقه الحكومي. في فكر الإمام رحمته توظّف الأحكام السياسية في سبيل حفظ الدين وازدهاره والنظام سلطة لتطبيق الأحكام الدينية، والمرونة في بعض الحالات والظروف تأتي من باب الإضطرار واستناداً الى اصول ومحدوديات استثنائية يُعمل بها بشكل مؤقت. وهو يعتبر حفظ النظام من أهمّ الواجبات، وعند حصول تعارض أو تزاخم مع الأحكام الاخرى، يصبح حفظ النظام مقدماً على الأحكام الاخرى من باب تقديم الأهمّ على المهم لوجود حكم حكومي بترجيح مصلحة النظام، كحكم ثانوي.

الكلمات المفتاحية: حفظ نظام، الإمام الخميني رحمته، المصلحة، الحكم الحكومي، الأهمّ والمهم، الحكم الثانوي.

sm.hazavei@yahoo.com

١. استاذ مساعد في قسم العلوم السياسية، جامعة بوعلی سینا.

soltanisakine@yahoo.com

٢. طالبة ماجستير في العلوم السياسية، جامعة بوعلی سینا.

٣. استاذ مساعد في قسم الفقه ومبادئ الحقوق الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع سبزوار.

m.velayati52@yahoo.com

نموذج الثقة السياسية؛ رأى الإمام الخميني عليه السلام نموذجاً: فى ضوء نظرية التجذير (GT)

سيد جواد امام جمعه زاده^١ / راضية مهرايى كوشكى^٢

الخلاصة: علاقة المتبادلة بين الفرد والنظام السياسى فى المجتمع ترتبط بالنظرة الايجابية التى يحملها الأفراد تجاه النظام السياسى والتمتدى للسلطة فى المجتمع. إن دراسة العوامل التى تؤدى إلى بناء هذه العلاقة من الثقة أو الانتقاص منها، تتطلب الالتزام بمعايير خاصة بكل ارضية وظروف اجتماعية. وفى هذا البحث محاولة لصياغة هذه الفكرة ضمن نموذج انطلاقاً من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام. يبدو أن حضور الإمام الخميني عليه السلام فى الساحة السياسية والاجتماعية الايرانية ووعيه ومعرفته بقواعدها يحمل بين ثناياه قيمة فائقة حول قضية الثقة السياسية. ويحاول هذا البحث اتخاذ نظرية التجذير أساساً لصياغة نموذج الإمام الخميني عليه السلام فى هذا المجال. وفى هذا السياق جرى تقصى ما دَوّن من اقواله وكلماته فى الكتاب المعروف بصحيفة الإمام كمصدر ثرى، وفى ضوء الاستراتيجية التى تضعها نظرية التجذير فى التحقيقات النوعية أجريت ثلاثة مراحل وهى: التفسير (التقييم) المفتوح، والمحورى، والانتقائى على معطيات النص. كما صُوّرت أيضاً نظرية الإمام الخميني عليه السلام حول مفهوم الثقة السياسية فى اطار مثال نموذجي. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني عليه السلام، الثقة السياسية، رأس المال الإجتماعي، الثقة المنتجة، نظرية التجذير.

استراتيجيات الإمام الخميني عليه السلام فى إدارة الدفاع المقدس

حسين ارجينى^٣ / زهراء عبداللهي^٤

الخلاصة: لقد انتصرت الثورة الإسلامية فى ايران على خلاف إرادة القوى السلطوية. وواجهت منذ اشراق فجرها أنواعاً من المخططات التآمرية الهادفة الى الإطاحة بها، غير أن قيادة الإمام الخميني عليه السلام وحضور الجماهير الثورية الواعية أحبطت هذه المؤامرات. وعندما وجدت القوى السلطوية نفسها عاجزة عن تغيير مسار الثورة، حاولت القضاء على هذه الثورة عن طريق شن الحرب المفروضة بواسطة شخص مثل صدام. يهدف البحث الذى بين أيديكم الى التعرف على الإستراتيجيات التى اتبعتها مؤسس الجمهورية الإسلامية، سماحة الإمام الخميني عليه السلام فى إدارة الحرب المفروضة. وحاول هذا البحث أيضاً التوصل الى الدور الإدارى الذى اضطلع به سماحته فى توجيه دفة الدفاع المقدس؛ لقد كان الإمام يتبع استراتيجيات مثل: الرقابة والإشراف الأمنى والإستخبارى على شؤون الحرب، والإشراف على أداء المسؤولين وعمل المطبوعات، مع الإلتزام بقواعد اتخاذ القرارات، ومجاهاة عناصر الإعاقة والعرقلة فى الداخل، إضافة الى الدعم المعنوى والثقافى للمقاتلين، وبذلك استطاع إدارة دفة الحرب المفروضة، وأحبط محاولات الأعداء وصدّهم عن تحقيق مآربهم. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني عليه السلام، الثورة الإسلامية، الدفاع المقدس، الاستراتيجيات، الجمهورية الإسلامية.

javademam@yahoo.com
mehrabraziye@gmail.com
arjini4@gmail.com
abasaleh.mahdi1986@yahoo.com

١. استاذ مشارك فى قسم العلوم السياسية، جامعة اصفهان.
٢. طالبة دكتوراه فى العلوم السياسية، جامعة اصفهان.
٣. استاذ مساعد فى جامعة المعارف الإسلامية.
٤. طالبة ماجستير فى جامعة المعارف الإسلامية.

امكانية ودلالة تأثير «الإسلام» في بلورة «الثورة الإجتماعية»

(ردود على انتقادات أثرت حول التجربة المعرفية - التاريخية للإمام الخميني عليه السلام في الثورة الإسلامية)مهدي جمشیدی^١ / مجتبی زارعی^٢

الخلاصة: يتناول هذا البحث واحدة من القراءات التجديدية التي أثرت بشأن الثورة الإسلامية في إيران ومدى تأثير الإمام الخميني عليه السلام فيها؛ حيث جرى نقد هذه القراءة وتفنيدها. عرض الباب الأول من هذا البحث إشكالية عدم التوافق بين مفهومى «الإسلام» و «الثورة» وقد طُرحت فيه ثلاثة أمور وهى: عدم اجتماع «الإسلام» و «الثورة» بسبب انتماء كل واحد منهما الى معنى مغاير عن المعنى الذى ينتمى إليه الآخر، فهناك النزعة المحافظة فى الإسلام وقواه الإجتماعية والبنائية التنسكية المنبثقة من الإيمان بالقضاء والقدر. ثم شرح بعد ذلك اشكالية منشأ وماهية الخطاب «الإسلامى السياسى». التساؤل الأساسى الذى يطرحه هذا البحث هو هل القراءات المتجددة والقائمة على العلوم الإنسانية العلمانية من مفهومى الثورة والإسلام السياسى، تتطابق وتتناسب مع ما تحقق فى الثورة الإسلامية وفى تفكير وعمل الإمام الخميني عليه السلام؟ وفى اطار التحليلات النظرى والتجريبية، تمّ التوصل الى هذه النتيجة وهى أن دراسة الثورة الإسلامية والتأثير السياسى للإمام الخميني عليه السلام فى قالب التوجهات التجديدية، تفسح المجال أمام تحريف حقيقة وماهية الثورة الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: الثورة الإسلامية فى ايران، الإمام الخميني عليه السلام، الإسلام السياسى، التجديد، العلمانية.

مُلزِمات العدالة والحرية فى الفكر السياسى للإمام الخميني عليه السلامعلى اخترشهر^٣

الخلاصة: للحكومات أهداف و مقاصد تتناسب مع ماهياتها وتوجهاتها، وهى تسعى فى سبيل تحقيقها. والدين الإسلامى، يعترف بالعدالة والحرية. وهناك فى نصوص وأدبيات المفكرين المسلمين وخاصة فى العصر الحديث اهتمام وتركيز على هذه القضايا. يرى سماحة الإمام الخميني عليه السلام، أن الأهداف النبيلة للحكومة الإسلامى تحلّق بجناحى العدالة والحرية. ومن جملة ما تستلزمه العدالة بناء الدين، والقانون والمجتمع على العدالة، والتربية وتهذيب الإنسان والحكومة. ومما يستلزمه تطبيق العدالة أيضاً ثلاثة أمور، وهى: كتابة القانون على أساس العدالة، وتنفيذ القوانين على أساس العدل، والإشراف والرقابة العادلة على تنفيذ القوانين. وعلى صعيد آخر اذا استطاعت الحكومة تطبيق العدالة والحرية سوية فى المجتمع، نجد أمامنا مجتمع تغمره السكينة والتألف والوحدة والتلاحم بين أفراد.

الكلمات المفتاحية: العدالة، الحرية، الفكر السياسى، الإمام الخميني عليه السلام.

m.jamshidi.60@gmail.com

netghooghnuos@gmail.com

akhtarshahr@yahoo.com

١. عضو الهيئة العلمية فى المعهد العالى للثقافة والفكر الإسلامى.

٢. استاذ مساعد فى المعهد العالى للعلوم الإنسانية والدراسات الثقافية.

٣. استاذ مساعد فى الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع لاهيجان.

دراسة مقارنة للأفكار السياسية للعلامة النائيني رحمته والإمام الخميني رحمته؛ التأثر بالأزمات المعاصرة مثلاً

سيد جلال موسوي شرباني^١ / حسن صالحى^٢ سيد حسين عليانسانب^٣

الخلاصة: يرمى هذا البحث إلى إجراء دراسة مقارنة بين الأفكار السياسية لفقيهين شيعيين بارزين هما: العلامة النائيني والإمام الخميني رحمته في إطار نظرية الأزمة لتوماس سبرينغز. يبين هذا البحث أن أبرز جوانب الاشتراك بين نظريتهما السياسية تتمثل في طبيعة تفسيرهما لمصدر السلطة السياسية والدفاع عن كيان الإسلام، والايمان بدور الشعب في تحقيق النظام السياسى، والارادة الشعبية في تحقيق الأهداف الإلهية، واما أوجه الافتراق بينهما فتتلخص في مواضيع مثل مبنى المشروعية، وماهية الحكم، ونطاق تصرف وسلطة الفقهاء وطبيعة النظرة السائدة. ويتضح من خلال المقارنة بين هاتين النظريتين في ضوء نظرية الأزمة لاسبرينغز، أن هذا التفاوت بينهما يُعزى إلى أزمات عصرهما، وان كل واحد من هذين المفكرين قد تأثر بالظروف والأزمات التي كانت طاغية في عصره، وهذا ما جعل كل واحد منهما يطرح حلولاً مختلفة. وهذا أدى إلى اختلاف آراء كلٍ منهما في نظريته السياسية. **الكلمات المفتاحية:** الفكر السياسى للعلامة النائيني، الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته، توماس سبرينغز، نظرية الأزمة.

أضواء على الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته

بهنام بهارى اودلو^٤ / مهدي بخشى شيخ احمد^٥

الخلاصة: الموضوع الأساسى لهذا البحث تقديم رؤية معرفية ومنهجية عن الفكر السياسى عند الإمام الخميني رحمته واستخدام النظرية لتحليل الفكر السياسى. يحاول هذا البحث وضع تنظيم نظرية لما يحفل به الفكر السياسى للإمام الخميني رحمته من مراحل التعرف على المشاكل وتشخيصها، وتقصى أسبابها، وإيجاد الحلول لها، مع بيان الأهداف والتطلعات. واستناداً إلى ما توصل إليه هذا البحث، فإن المشكلة الأساسية التي يواجهها الشعب الإيرانى كما يرى الإمام الخميني رحمته هي الاستبداد الداخلى والاستعمار الخارجى. كما يعتبر الانحطاط الفكرى والاعتقادى الذى يعيشه المسلمون هو السبب الأساسى الذى أدى إلى وقوع المسلمين فى مثل هذه المشاكل، واما الغاية المنشودة الكفيلة بانهاء هذه المشاكل فهي اقامة حكم إسلامى. وفى الختام يعلن ان الطريق الوحيد الكفيل باقامة الحكم الإسلامى والتخلص من الاستبداد الداخلى والاستعمار الخارجى فهو الثورة. **الكلمات المفتاحية:** الإمام الخميني رحمته، الفكر السياسى، سبرينغز.

١. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة الفنون الإسلامية، تبريز. j.sharabiani@tabrizau.ac.ir
٢. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة الفنون الإسلامية، تبريز. h.salehi@tabrizau.ac.ir
٣. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز. olyanasab@tabrizu.ac.ir
٤. هذا البحث مُستل من اطروحة تحت عنوان «الجغرافية السياسية للفكر السياسى الشيعى فى الشرق الأوسط»، أنجزت بدعم مالى من قبل الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل.
٥. عضو الهيئة العلمية فى قسم المعارف الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل. bahariodlobehnam@yahoo.com
٦. مدرّس فى قسم المعارف الإسلامية، الجامعة الإسلامية المفتوحة، فرع اردبيل. mbakhshi79@gmail.com

دور مراجع التقليد وعلماء الطراز الأول في حركة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلاميةمهدي ابوطالبي^١

الخلاصة: من القضايا التي طالما كانت موضع تساؤلات وشبهات، هي دور علماء الطراز الأول ومراجع التقليد في الشؤون السياسية وخاصة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلامية. والغاية من هذا البحث هي تقديم اجابة للسؤال المطروح آنفاً. ونظراً إلى سعة مساحة هذا الموضوع، فقد اقتصرنا في بحثنا هذا على التحدث عن دور مراجع وعلماء الطراز الأول في النجف وقم. وعند مراجعة الوثائق التاريخية توصلنا إلى هذه النتيجة وهي انه طيلة استمرار مدة الحركة منذ عام ١٩٦٢ وإلى انتصار الثورة في عام ١٩٧٩م. كان لعموم مراجع التقليد في قم والنجف دور في دعم حركة الإمام الخميني عليه السلام والثورة الإسلامية من خلال ما كانوا يعقدونه من جلسات تشاورية، ويصدره من بيانات واعلانات، وارسال البرقيات إلى المسؤولين الحكوميين، والإجابة عما كان يصلهم من استفتاءات سياسية مختلفة، والمشاركة في بعض الاضرابات والتخشدات السياسية بدرجات مختلفة. وعلى الرغم من ان اختلاف الأساليب ومديات مجابهة النظام كانت موجودة بينهم، ولكن لا يمكن أن يُنسب إلى أحد من هؤلاء المراجع عناوين مثل انه كان بعيداً عن السياسة أو أنه كان مؤيداً لفصل الدين عن السياسة، أو انه يعارض اقامة حكومة إسلامية.

الكلمات المفتاحية: علماء الطراز الأول، المراجع، حركة الإمام الخميني عليه السلام، الثورة الإسلامية، إصدار البيانات، الاحتجاجات.

دراسة مقارنة للحدائثة، والعقلانية والنزعة المعنوية من وجهة نظر

الإمام الخميني عليه السلام وميشيل فوكو (الثورة الإسلامية في ايران مثلاً)سيد غلامرضا دوازده امامي^٢ / پرويز جمشيدى مهر^٣ / نصيبه عبدی پور^٤

الخلاصة: يرى بعض المنظرين أن العقلانية المجردة من الروح المعنوية واحدة من المعالم البارزة للحدائثة. هذا البحث يدرس الحدائثة، والعقلانية، والمعنوية من وجهة نظر الإمام الخميني عليه السلام من العالم الإسلامي، وميشيل فوكو من العالم الغربي.

اثبتت تجربة الحدائثة أن العقلانية التي أوجدها الانسان لم تستطع ايصال البشرية إلى مكانتها الأساسية بدون الروح المعنوية والجانب الميتافيزيقي. ومن بعد تبلور خطاب الثورة الإسلامية بقيادة الإمام الخميني عليه السلام أعيد إحياء المعنوية المنسية، وكان لهذا التوجه تأثيره في ميشيل فوكو. تدل معطيات هذا البحث على أن الحدائثة غدت في مأزق بسبب تجاهلها للجانب المعنوي من الحياة. ويرى الإمام الخميني عليه السلام أن طريق الخروج من هذا المأزق يتلخص في توجه البشرية نحو العالم المعنوي. وقد اعتمد هذا البحث على نصوص مكتوبة ومما يُنشر على الانترنت واستعان بالاسلوب الوصفي والتحليلي للنظر في المعطيات التي توصل إليها.

الكلمات المفتاحية: الإمام الخميني عليه السلام، ميشيل فوكو، الحدائثة، العقلانية، الروح المعنوية، الثورة الإسلامية في ايران.

abotaleby@gmail.com

mohsen12emami@yahoo.com

parvizjamshidi197@yahoo.com

abdipourn@yahoo.com

١. استاذ مساعد في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحوث.

٢. استاذ العلوم السياسية، جامعة اصفهان.

٣. ماجستير في العلوم السياسية.

٤. ماجستير في العلوم السياسية.